

A comparative study of modern interrogation policies and methods and evaluation of the legitimacy of the resulting evidence in the criminal law of Iran and Iraq

Haider Abdullah Jabral Jaifari¹

Received: 14 March 2024

Mahmoud Ashrafi Mahabadi^{2*}

Reception: 21 April 2024

Bassem Jamil Al Mousavi³

Masoud Heydari⁴

Abstract

Interrogation, as one of the stages of criminal investigation to discover the truth and to deal with personal claims or prove criminal offenses, has a long history. In fact, interrogation is one of the main methods of judicial investigation to prevent the defendant from denying or recognizing him, which is used by a judicial or law enforcement authority to obtain evidence or to discover the truth. Therefore, in today's world, the use of interrogators who rely on science and knowledge, in light of their attendance at various special and specialized training courses, can have an influential and major role in judicial cases in countries. Therefore, and given the significant advances in the field of science and technology, these authorities use new scientific methods to discover the truth. In Iranian law, various principles of the Constitution can be cited in this regard. Article 22 of the Constitution stipulates: "The dignity, life, property, rights, residence and occupation of individuals are immune from attack, except in cases prescribed by law." One of the logical consequences of human dignity is that until the guilt of an accused is proven by credible evidence, he is presumed innocent, even if he has previously committed a crime and is now accused of another crime. This is the governing principle. Article 37 of the Islamic Constitution explains this principle as follows: "The principle is innocence, and no one is considered guilty by law unless his guilt is proven in a competent court."

1 PhD student in criminal law and criminology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

2 Assistant Professor of the Department of Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

3 Assistant Professor, Department of Law, Wasit University, Iraq

4 Associate Professor of Law Department, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

<http://doi.org/10.30510/pssci.2025.484559.1105>

مطالعه تطبیقی سیاست‌ها و روش‌های نوین بازجویی و ارزیابی مشروعیت ادله حاصل از آن در حقوق کیفری ایران و عراق

حیدر عبدالله جبرالجعفری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۴

محمود اشرافی مهابادی^{۲*}

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۲

باسم جمیل الموسوی^۳

مسعود حیدری^۴

چکیده

بازجویی به عنوان یکی از مراحل تحقیقات جنایی برای رسیدن به کشف حقیقت و در راستای رسیدگی به دعاوی شخصی و یا اثبات جرائم کیفری از قدمت بسیاری برخوردار است. در حقیقت بازجویی یکی از روش‌های اصلی تحقیقات قضایی به منظور جلوگیری از انکار متهم و یا شناخت او است که به وسیله‌ی مقام قضایی یا انتظامی برای دستیابی به شواهد و یا رسیدن به کشف حقیقت مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این رو در دنیای امروز بهره‌مندی و استفاده از بازجوهای متکی به علم و دانش، در سایه‌ی حضور در دوره‌های آموزشی ویژه مختلف و تخصصی می‌تواند نقش تاثیرگذار و عمده‌ای در پرونده‌های قضایی کشورها داشته باشد. بنابراین و با توجه به پیشرفت‌های چشمگیر در حوزه‌ی علوم و تکنولوژی، این مقامات از روش‌های علمی جدیدی برای کشف حقیقت استفاده می‌کنند. در حقوق ایران، اصول مختلف قانون اساسی در این زمینه قابلیت استناد دارند. اصل ۲۲ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند». از نتایج منطقی کرامت انسانی این است که تا قبل از اثبات مجرمیت یک متهم به وسیله ادله معتبر، او بی‌گناه فرض شود حتی اگر سابقاً مرتکب جرمی شده و اکنون متهم به جرم دیگری است این اصل حاکم می‌باشد. اصل ۳۷ ق.ا این اصل را بدین گونه تشریح می‌دارد: «اصل، براءت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر این‌که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد»

کلیدواژه: بازجویی، روش‌های نوین، اعتراف، حقوق کیفری

^۱ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

^{۲*} استادیار گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

^۳ استادیار گروه حقوق، دانشگاه واسط، عراق.

^۴ دانشیار گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

نظام فقهی برای حق سلامت جسم به عنوان منفعتی عمومی که در چارچوب عمومی حمایت جنائی قرار میگیرد، سه عنصر را مشخص کرده است که عبارتند از: ۱- حق انسان بر حفظ تمامیت جسمی، ۲- حق انسان برای حفظ سطح سلامت ۳- حق انسان برای عدم متعرض شدن به دردهای جسمی و روحی.. از کلیت این سه حق، حق سلامت جسم شکل میگیرد و براین اساس حق سلامت جسمی و حق حیات با هم پیوند خورده و ادغام می شوند و نه تنها تشخیص آنها از نظر عملی دشوار بلکه ممکن است اولی بر دومی از حیث اهمیت حمایت جنایی ارجحیت داشته باشد. چرا که حق حیات جز با تعرض به تمامیت بدن، دچار خدشه نمیشود و بنابراین، این حمایت ضرورتی لازم برای حمایت از حق حیات انسان است. جهت حفظ حقوق و آزادی های افراد و عدم محدودیت یا نقض آنها بر اساس ادله غیرقانونی، ما ملزم به تبیین ماهیت قانونی بودن دلیل یا عادلانه بودن آیین های دادرسی کیفری هستیم، و از آنجایی که از یک منبع استخراج نشده است، انجام این کار هم آسان نیست، همانطور که قوانین اجرایی تمایلی به تصریح صریح آن نیستند. هدف اصلی این مقاله شناسایی احکام استفاده از روش های نوین بازجویی در نظام حقوق کیفری ایران و عراق. سوال اصلی مقاله این است که وضعیت حقوقی اعترافات ناشی از استفاده از ابزارهای مدرن بازجویی در حقوق ایران و عراق چگونه است؟

نحوه‌ی تحقیق از متهم و حقوق دفاعی وی در حین بازجویی

پس از این که تفهیم اتهام صورت گرفت، بازپرسی شروع به پرسش از متهم می کند. به موجب ماده (۱۹۵) پرسش ها باید مفید، روشن، مرتبط با اتهام و در محدوده آن باشد. پرسش تلقینی یا همراه با اغفال، اکراه و اجبار متهم و به کار بردن کلمات موهن ممنوع است. با توجه به این که این گونه پرسش ها ممکن است سبب انحراف مسیر تحقیقات از واقعیت شود، علی رغم این که به موجب ماده مزبور بازپرس از پرسش به نحوه مورد بحث ممنوع شده است، در تبصره آن ماده پیش بینی شده است که: «وکیل متهم نیز می توان در صورت طرح سؤالات تلقینی یا سایر موارد خلاف قانون به بازپرس تذکر دهد.» رفتار خلاف قانون مقبولیت ندارد. اگر این رفتار از ناحیه ی مقام قضایی صورت گیرد، زشتی آن به مراتب واضح تر است. بر همین اساس این حق برای وکیل پیش بینی شده است که مراتب رفتار خلاف قانون را یادآوری کند. این حکم قانونی در پیشگیری از رفتارهای خلاف شأن مؤثر است. البته وکلاء نیز نباید آن را مستمسکی برای سوءاستفاده قرار دهند. بدیهی است هر گونه استناد غیرواقع به آن برای وکیل مسؤولیت انضباطی دارد.

نه تنها در این مورد بلکه به طور کلی اگر قاضی شاهد رفتار خلاف شأن یا غیرقانونی و کیل باشد می‌تواند مراتب را جهت اقدام قانونی به مراجع انضباطی یا در صورت دارا بودن وصف مجرمانه به مراجع قضایی اعلام کند. گزارش قاضی در این خصوص اعتبار رسمی داشته و مبنای تصمیم‌گیری مراجع مزبور قرار می‌گیرد. نتیجه این کنترل‌های درون فرایندی دادرسی، اجرای بهتر قانون است. پاسخ پرسش‌ها به موجب ماده (۱۹۹) ق.آ.د.ک باید بدون تغییر، تبدیل و تحریف نوشته شود و پس از قرائت برای متهم به امضاء یا اثر انگشت او برسد. چنانچه متهم باسواد باشد خود پاسخ را می‌نویسد، مگر این‌که به اختیار نخواهد از این حق استفاده کند. در این صورت پاسخ توسط بازپرس یا منشی او نوشته می‌شود. به موجب بند (۱۱) ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳، در تحقیق از متهم باید از کنجکاوای در اسرار شخصی و خانودگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیر مؤثر در پرونده مربوطه خودداری شود. هم‌چنین به موجب بند (۶) قانون. تأکید شده است که در جریان تحقیق از متهم، ایزای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء تحقیر و استحقاف به آنان باید اجتناب شود. با توجه به این‌که حضور افراد با دستبند در مراجع قضایی نوعی استحقاف محسوب می‌شود، لذا باید در هنگام بازجویی و به طور کلی، در زمان حضور متهم در نزد مقامات قضایی، از به کار بردن دستبند یا وسایل مشابه خودداری شود.

تذکر به مواظبت در اظهارات

اهمیت بازجویی و آثار ناشی از آن ایجاب می‌کند که متهم در پاسخ به پرسش‌های مقامات قضایی و انتظامی، با احتیاط و حزم و دوراندیشی عمل کند و به واسطه‌ی اظهارات نسنجیده، موجبات گرفتاری خود را فراهم نکند. آگاهی متهم از این نکته بسیار اساسی و مؤثر در سرنوشت قضایی او مؤثر است، اما اشخاص به ویژه هنگامی که به عنوان متهم و آن هم بار اول نزد مقامات قضایی و انتظامی حاضر می‌شوند، آنچنان از حالت روحی و روانی غیرعادی و نگرانی مخصوص برخوردارند که قادر به درک جایگاه بازجویی و آثار و تبعات ناشی از آن نیستند و چنانچه هشدارهای لازم قبل از انجام تحقیق به ایشان داده نشود، به احتمال زیاد با اظهارات ناصواب موجب لطمه به آبرو و حیثیت، آزادی، مال یا حتی جان خود می‌گردند. از این‌رو، در نظام‌های دادرسی کیفری برای حمایت از حقوق دفاعی اشخاص، تمهیداتی به منظور انجام بازجویی صحیح و قانونی و مطابق با موازین دادرسی منصفانه اندیشیده شده است. در حقوق ایران، مقنن به شرح ماده‌ی ۱۲۹ ق.آ.د.ک و در ادامه مطالبی که درباره‌ی ضرورت ثبت هویت متهم بیان داشت، مقرر می‌دارد که قاضی باید به متهم متذکر شود که مواظب اظهارات خود باشد.

تفهیم اتهام

اطلاع متهم از ماهیت اتهام یکی از اساسی‌ترین حقوق وی در فرآیند دادرسی کیفری است. اهمیت این حق تا حدی است که در اسناد بین‌المللی و اصول قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. به موجب بند (۳) ماده (۱۴) میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی (۱۹۶۶): «هرکس متهم به ارتکاب جرمی شود، با تساوی کامل حقوق تضمین‌های حداقلی زیر را خواهد داشت: الف) در اسرع وقت و به تفصیل و با زبانی که او بفهمد از ماهیت و علل اتهامی که به وی نسبت داده می‌شود آگاه شود». این امر در اصل (۳۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این‌گونه مورد تأکید قرار گرفته است: «... موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود ...». بر همین اساس به شرح مقرر در ماده (۵) ق.آ.د.ک، در شمار اصول راهبردی آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است که: «متهم باید در اسرع وقت از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود». سرانجام در مبحث تحقیقات مقدماتی نیز، به موجب ماده (۱۹۵) ق.آ.د.ک باز پرس مکلف شده است، پیش از شروع به تحقیق به متهم اعلام کند مراقب اظهارات خود باشد، سپس «موضوع اتهام» و «ادله» آن را به شکل صریح به او تفهیم کند. ضرورت و اهمیت اطلاع از ماهیت و وصف اتهام و علل آن به رعایت حقوق دفاعی متهم معطوف است. نیک پیدا است تا متهم از «ماهیت رفتاری که به او منتسب است» و عقیده مقام قضایی در «تعیین وصف کیفری» اتهام و ادله آن آگاه نشود، نمی‌تواند به نحو صحیح از خود دفاع کند، بر این اساس تفهیم اتهام صحیح دارای سه عنصر اصلی است:

- ۱- ماهیت اتهام، یعنی شرح رفتاری که ارتکاب آن به متهم منتسب است؛
- ۲- وصف کیفری اتهام، یعنی تعیین عنوان مجرمانه عمل انتسابی به متهم
- ۳- دلایل وقوع جرم و انتساب آن به متهم.

منع اعمال شکنجه برای اخذ اقرار، شهادت و سوگند

در حقوق اسلام با توجه به آیات فراوانی که دلالت بر رعایت کرامت انسانی دارند هر رفتاری که با کرامت انسان‌ها و احترام اهل ایمان مغایر باشد، خود گناه و جرم تلقی می‌گردد که شکنجه و رفتارهای موهن نیز مشمول همین حکم می‌باشد. با توجه به روایات فراوان از ائمه معصومین (ع)، در میان فقهای امامیه شهرت فتوایی و بلکه اجماع وجود دارد مبنی بر این که اذیت و آزار و شکنجه متهم به مجرد اتهام و برای کشف جرم و اقرار متهم، ظلم و حرام می‌باشد. بنابراین نه تنها عقل و وجدان انسانی بر قبح چنین اعمالی حکم می‌دهد، آیات و روایات و سیره پیامبر و ائمه معصومین نیز بر این حکم عقلانی تأکید می‌نماید. دلیل این امر آن است که وجود شکنجه در دستگاه قضایی اعم از مرحله تحقیقات

مقدماتی و تعقیب و دادرسی، ضمن این که احکام صادره را سست و بی پایه می‌نماید، موجب یک نوع جو عدم احساس امنیت اجتماعی در جامعه نیز می‌گردد و در چنین جامعه‌ای زندگی همراه با تشویق و اضطراب و ناامنی می‌باشد. به همین دلیل که امام علی (ع) یکی از روزها که فرد متهم به سرقتی را مورد بازجویی قرار می‌داد، هنگامی که از او سوال کرد که آیا سرقت کرده‌ای خود به او یاد داد که اگر بخواهی می‌توانی انکار کنی. به دنبال راهنمایی امام علی (ع) متهم انکار کرد و چون دلیل دیگری برای تحقق سرقت وجود نداشت، امام او را آزاد کرد. با توجه به موارد گفته شده معلوم می‌شود که نه تنها شکنجه برای اخذ اقرار یا هر امر دیگر قبیح است، بلکه با توجه به حقوق شهروندان از یک طرف و اصل براءت از طرف دیگر، در موارد شبهه و عدم وجود دلیل موجه نیز می‌توان متهم را به گونه‌ای راهنمایی کرد تا از مسئولیت کیفری ناشی از اقرار صرف رهایی یابد. فقهای شعیه اقرار ناشی از شکنجه را فاقد آثار حقوقی می‌دانند. زیرا شکنجه متهم از حیث جسمی یا روانی در مواردی موجب سلب اختیار و تحقق اکراه و در مواردی شدیدتر موجب سلب قصد از او و تحقق اجبار شده و اقرار صادره در این گونه حالات نمی‌تواند منشاء آثار گردد بنابراین نه تنها شکنجه در حقوق کیفری اسلام حرام و ممنوع است بلکه در صورتی که به سبب شکنجه و تحت اعمال آن شخص اقرار کرده یا شهادت دهد این اقرار یا شهادت ارزش اثباتی ندارد. (ابراهیم الفقی، ۲۰۰۸: ۱۵۳)

در حقوق ایران، اصول مختلف قانون اساسی در این زمینه قابلیت استناد دارند. اصل ۲۲ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند». از نتایج منطقی کرامت انسانی این است که تا قبل از اثبات مجرمیت یک متهم به وسیله ادله معتبر، او بی‌گناه فرض شود حتی اگر سابقاً مرتکب جرمی شده و اکنون متهم به جرم دیگری است این اصل حاکم می‌باشد. اصل ۳۷ ق.ا این اصل را بدین گونه تشریح می‌دارد: «اصل، براءت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد». دو اصل فوق از قانون اساسی به خوبی جهت اثبات منع اجبار متهم به پاسخگویی کفایت می‌کند. با این حال، قانون مزبور به این قواعد بسنده نکرده و در اصل ۳۸ ق.ا با صراحت در این خصوص مقرر داشته: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

حق سکوت متهم و ضرورت بهره‌مندی از مترجم

حق سکوت متهم

حق سکوت متهم بر این پایه استوار است که نمی‌توان متهم را به اقرار علیه‌ی خود و یا اقرار به مجرم بودن مجبور کرد. زیرا اصل برائت است و متهم بی‌گناه فرض شده است به موجب بند (۳) ماده (۱۴) میثاق حقوق مدنی و سیاسی یکی از تضمین‌های رسیدگی عادلانه این‌گونه تبیین شده است: «هر کس به ارتکاب جرمی متهم شود... مجبور نمی‌شود که علیه‌ی خود شهادت دهد و یا به مجرم بودن اقرار کند». از آنجایی که در ابتدا تحقیقات به خصوص بازجویی‌های مقدماتی سعی بر أخذ اقرار از متهم است، حق سکوت پادزهری است که تلاش‌های فراقانونی برای أخذ از متهم را خنثی می‌کند. این حق به صراحت در اسناد بین‌المللی لازم‌الاجراء برای کشورها پیش‌بینی نشده است. اما در نظام‌های داخلی پذیرش آن روش معمول است. بر همین اساس دادگاه اروپایی حقوق بشر اعلام نموده است که: «گرچه حق سکوت در ماده (۶) کنوانسیون اروپا قید نشده است، اما تردیدی نیست که این حق در طول بازجویی پلیس و برای جلوگیری از متهم ساختن خود، در استانداردهای بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است و جزیی از دادرسی عادلانه به شرح مقرر در ماده (۶) مزبور جای می‌گیرد.» (پورااستاد، ۱۳۸۷، ۱۱۵)

از آن جایی که اصل برائت در تمام مراحل دادرسی حاکمیت دارد، در این خصوص نیز چون اصل برائت است، ارائه ادله اثبات جرم به عهده‌ی دادستان یا شاکی خصوصی است. بنابراین نمی‌توان متهم را اجبار به اقرار کرد. این امر یکی از مبانی حق سکوت است. اصل آزادی بیان و رعایت حیثیت و کرامت افراد نیز توجیه‌کننده حق سکوت محسوب می‌شوند. مهم‌تر از همه این‌که منظور از برخورداری متهم از حق سکوت، حمایت از وی در مقابل اظهاراتی است که متهم از بارقانونی و عواقب آن‌ها اطلاع ندارد. لذا می‌تواند تا زمان دسترسی به وکیل یا دیگر افراد مورد اعتماد سکوت اختیار کند. علاوه بر این پذیرش حق سکوت بر پلایه‌ی آزادی متهم در انتخاب نحوه‌ی دفاع از خود قلیل توجیه است. متهم آزاد است به هر نحوی که تشخیص می‌دهد از جمله با سکوت از خود دفاع کند. (محمود مصطفی، ۱۹۷۶، ۴۲۵)

سکوت متهم بر علیه‌ی وی قابل استناد نیست و فرینه مجرمیت محسوب نمی‌شود. برخورداری از این حق مستلزم آن است که نمی‌توان متهم را تحت فشار و اجبار قرار داد تا در مورد اتهام انتسابی سخن بگوید. بنابراین، حق سکوت با ممنوعیت شکنجه و اذیت و آزار متهم هم جهت است. (صادق الما، ۱۹۶۹: ۱۹۸)

ضرورت بهره مندی از مترجم

یکی از حقوق دفاعی مورد تأکید در استناد بین‌المللی و نظام حقوق داخلی کشورها است. در بند (۳) ماده (۱۴) میثاق حقوق مدنی و سیاسی مقرر شده است: «اگر متهم زبانی را که در دادگاه تکلم می‌شود، نمی‌فهمد یا نمی‌تواند با آن تکلم کند، حق دارد که یک مترجم مجاناً به او کمک کند». براین اساس به موجب ماده (۲۰۰) ق.آ.د.ک مقرر شده است: «بازپرس برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم، شاهد و مطلع که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم مورد وثوق از بین مترجمان رسمی و در صورت عدم دسترسی به مترجم رسمی، مترجم مورد وثوق دیگری تعیین می‌کند. مترجم باید سگوند یاد کند که راستگویی و امانتداری را رعایت کند. عدم اتیان سوگند سبب عدم پذیرش ترجمه مترجم مورد وثوق نیست».

با توجه به این که متهم ناشنوا قادر به درک مذاکرات و اظهارات نیست، هم‌چنین متهم فاقد قدرت تکلم، توان انتقال منظور و بیانات خود را به مقام قضایی ندارد، این افراد همانند کسی هستند که زبان مقام قضایی را نمی‌داند. بر همین اساس به موجب ماده (۲۰۱) ق.آ.د.ک مقررات مشابه ماده (۲۰۰) این قانون برای این افراد نیز پیش‌بینی شده است. حق برخورداری از مترجم در تمام مراحل دادرسی از جمله تحقیقات نزد ضابطان و محاکمه در دادگاه ضروری است. به همین منظور به موجب مواد (۳۶۷) و (۳۶۸) ق.آ.د.ک مقررات مشابهی در مبحث مربوط به ترتیب رسیدگی در دادگاه، پیش‌بینی شده است. در مورد تحقیقات نزد ضابطان، به موجب ماده (۶۱) ق.آ.د.ک مقررات ماده (۲۰۰) این قانون به شرح مزبور جاری است.

منع سوالات تلقینی

سوالات تلقینی، سوالاتی است که متهم را به دادن جواب مشخص و معلومی وادارد. به بیان دیگر «منظور از تلقین، تاثیرات دماغی است که انسان را مجبور می‌کند در افکار و اعمال خود تغییراتی بدهد و آنچه را که مطابق میل و احساسات او است باور کند و عین حقیقت پندارد. آثاری که تلقین در انسان به وجود می‌آورد، درست نقطه مقابل منطق و استدلال است و به همین لحاظ مقنن طرح سوالات تلقینی را ممنوع کرده است تا به طبیعی بودن پاسخ‌ها خللی وارد نیاید» سزار بکاریا در منع سوالات تلقینی این‌گونه بیان می‌دارد: «از نظر حقوق‌دانان جنایی بازجویی‌ها باید به یک اعتبار مانند چنبری موضوع را در میان گیرد و هرگز راه مستقیم به سوی آن نیپماید.» (اردبیلی، ۱۳۶۸، ۹۵)

منع اغفال متهم

مفهوم اغفال این است که پلیس یا مقام تحقیق در ضمن تحقیقات خویش به منظور کشف جرم، نباید متهم را فریب دهد و مثلاً به او بگوید اسنادی در اختیار

دارد که ارتکاب جرم توسط او را محرز می‌کند، در حالی که واقعاً چنین اسنادی نداشته باشد. اقراری که بدین شکل بدست آید قابل ترتیب اثر دادن نیست. اغفال متهم صریحاً به موجب ماده ۱۲۹ ق.آ.د.ک منع شده است. این اغفال در بازجویی حضوری از متهم را می‌توان در قوانین به صورت روشن ممنوع کرد، گرچه نظارت بر رعایت این امر در سوالات شفاهی که توسط بازپرس پرسیده می‌شود امر دشواری است. در حقیقت به سختی می‌توان غافلگیری متهم را در بین سوالات کتبی که در صورتجلسات بازجویی منعکس شده متوجه شد، زیرا نه تنها اوضاع و احوال حاکم در زمان پرسش سوال در صورتجلسات منعکس نمی‌گردند که سوالات شفاهی نیز عیناً درج نمی‌شوند. اغفال متهم ممکن است به طرق گوناگونی محقق شود، مثلاً قاضی به متهم بگوید اگر اقرار کنی من تو را از مجازات معاف می‌کنم در صورتی که قانوناً اختیار معاف کردن وی را ندارد و یا اصلاً قصد کمک به متهم (معافیت یا تخفیف) نداشته باشد یا مثلاً قاضی با لباس مبدل برای غافلگیر کردن متهم در میان مامورین تحقیق قرار گیرد تا اظهارات و اقرار وی را استماع کند.

حدود مداخله وکیل متهم در تحقیقات مقدماتی

حق برخورداری از وکیل در کشور ما به موجب قانون اساسی پذیرفته شده است. به موجب اصل (۳۵) قانون اساسی: «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند. باید برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد». قابل توجه است که نباید واژه دادگاه در این اصل را به معنی اخص تلقی نمود و دادسرا را از شمول آن خارج کرد. بدیهی است قانون اساسی در مقام تضمین یکی از حقوق اساسی متهم یعنی حق برخورداری در فرایند دادرسی کیفری است و تفاوتی بین دادسرا و دادگاه وجود ندارد. بر همین اساس حق برخورداری از وکیل در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی نیز همواره در قوانین عادی مورد توجه بوده است. تصریح به اسم مراجع مختلف قضایی خارج از شان بیان کلیات در قانون اساسی است.

به موجب، ماده واحده انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا مصوب ۱۳۷۰/۷/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام، حق برخورداری از وکیل یکبار دیگر مورد تأکید قرار گرفته است. به موجب تبصره (۲) ماده واحده مزبور: «هرگاه به تشخیص دیوان عالی کشور، محکمه‌ای حق وکیل گرفتن را از متهم سلب نماید حکم صادره فاقد اعتبار قانونی بوده...» بر همین اساس به موجب تبصره (۱) ماده (۱۹۰) قانون آیین دادرسی کیفری (۹۲) مقرر شده بود که «سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب بی‌اعتباری تحقیقات می‌شود». این تبصره در اصلاحات سال (۱۳۹۴) به این شکل اصلاح گردید: «سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم به ترتیب موجب مجازات انتظامی درجه

هشت و سه است». این اصلاح گامی است به عقب، زیرا ضمانت اجرای بطلان را حذف نموده است.

حق داشتن وکیل مبتنی بر این مبنا است که شخص برخوردار از معاضدت حقوقی از سایر حقوق خود در فرایند دادرسی اطلاع پیدا می‌کند و این امر سبب رعایت دیگر حقوق متهم می‌شود. در عین حال متهم با تکالیف و الزامات جریان دادرسی آشنا می‌شود و اجرای آن‌ها به نحو بهتری صورت می‌گیرد. بر همین اساس حق اطلاع از داشتن وکیل باید به متهم تفهیم شود. این حق در ماده (۱۹۰) ق.آ.د.ک این‌گونه مقرر داشته است: «... این حق باید پیش از شروع به تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود این حق در برگه احضاریه قید و به او ابلاغ می‌شود...». بنابراین جریان دادرسی متهم با سه حق مواجه است: «حق برخورداری از وکیل»، «حق اطلاع از آن» و «حق انتخاب وکیل از بین وکلای قانونی».

تحولات قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در امر بازجویی

حق آگاهی از حقوق

طبق ماده ۵ قانون جدید آیین دادرسی کیفری: «متهم باید در اسرع وقت از موضوع و ادله‌ی اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود». ماده ۶ این قانون نیز مقرر می‌دارد: «متهم، بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد ذیربط باید از حقوق خود در فرایند دادرسی آگاه شوند و ساز و کارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود». هم‌چنین، وفق ماده ۷ قانون مزبور: «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان، علاوه بر جبران خسارت وارده، به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲) محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین، مجازات‌های شدیدتری مقرر شده باشد». هم‌چنین طبق ماده ۵۲ این قانون: «هرگام متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند». این در حالی است که تاکنون در خصوص حق آگاهی متهم از حقوق خود از جمله داشتن وکیل به همراه خود چیزی در قوانین قبلی نیامده بود و تنها در قانون حفظ حقوق شهروندی به آن اشاره شده بود که این قانون نیز تاکنون ضمانت اجرایی نداشت و گویا حالت مشورتی داشت. اما خوشبختانه قانون‌گذار در راستای ترافعی‌تر کردن هر چه بیشتر دادرسی‌ها و رعایت حفظ حقوق طرفین

دعوی این احکام جدید را مقرر و تدوین کرده است. بی تردید حضور وکیل مدافع در فرایند بازجویی در تحقیقات مقدماتی و تحقق دادرسی عادلانه می‌تواند تأمین‌کننده منظور قانون‌گذار در جلوگیری از تطویل فرآیند دادرسی کیفری از طریق روشن نمودن حدود و ثغور اتهام، کیفیت ادله و نیز ایجاد فضای تحصیل دلیل در مورد ادله با القوه برای مقام قضایی در راستای کشف حقیقت و آگاهی آحاد مردم و حتی مقام تحقیق از حقوق اشخاص در جامعه باشد.

حق حضور وکیل در مرحله تحت نظر

در اقدامی جدید و به موجب ماده ۴۸ قانون آدک مصوب ۱۳۹۲: «با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد، ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد.» با این وجود، برابر تبصره ذیل این ماده: «اگر شخص به علت اتهام ارتكابی یکی از جرائم سازمان یافته و جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی، سرقت، مواد مخدر و روان‌گردان و یا جرائم موضوع بندهای الف (جرائم موجب مجازات سلب حیات)، ب (جرائم موجب حبس ابد) و پ (جرائم موجب مجازات قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن) ماده ۳۰۲ این قانون، تحت نظر قرار گیرد، تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن امکان ملاقات با وکیل را ندارد». هر چند محدودیت‌های فوق بر خلاف حقوق دفاعی متهم بود؛ اما این بار و در حالی که قانون هنوز لازم‌الاجرا نشده بود، طرح اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری در مجلس شورای اسلامی مطرح شد و در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۳۱ نیز به تصویب و تأیید شورای نگهبان قانون اساسی رسید. بر اساس این قانون، تبصره فوق‌الذکر حذف و به جای آن مقرر گردید: «در جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی و هم‌چنین جرایم سازمان یافته که مجازات آن‌ها مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوا وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رییس قوه قضاییه باشد، انتخاب می‌نمایند. اسامی وکلای مزبور توسط رییس قوه قضاییه اعلام می‌گردد.»

از مهم‌ترین تحولات ایجاد شده در قانون جدید آیین دادرسی کیفری این است که به محض این‌که شخصی به عنوان متهم تحت نظر قرار گرفت می‌تواند درخواست ملاقات با وکیل مدافع را داشته باشد. در این ملاقات که نباید پیش از یک ساعت به طول بینجامد، لازم است به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات دقت شود و در پایان وکیل مدافع می‌تواند نکاتی که تأمین‌کننده حقوق موکلش باشد را کتباً برای درج در پرونده ارائه نماید. هر چند حذف تبصره قبلی ماده ۴۸، اقدامی مناسب بود؛ اما تصویب تبصره جدید و ایجاد قشری جدید از وکلا تحت عنوان وکلای

مورد تأیید قوه قضاییه، خلاف شأن جامعه وکالت است؛ زیرا از یک سو، وکلا برای بر تن کردن لباس وکالت، طی تشریفات معنوی و رسمی مکلف به اتیان سوگند «مراسم تحلیف» هستند. مگر چه تفاوتی میان تحلیف قضات و وکلا که در راستای احترام به قوانین و مقدسات جامعه اسلامی و صیانت از عرض، مال و جان آحاد مردم و سایر اشخاص بر اساس قانون برگزار می‌شود، وجود دارد که قانون‌گذار تأیید رئیس قوه قضاییه را به مثابه مهر تأییدی بر اهلیت وکیل دادگستری می‌داند؟ از دیگر سو، وکلا شرعاً، قانوناً و اخلاقاً خود را پایبند به اصول حرفه‌ای از جمله حفظ اسرار جامعه «چه در جرایم امنیتی و چه غیر از آن» و اشخاص می‌دانند و این که بخواهیم حتی برای وکیل مدافع در این زمینه‌ها محدودیت قائل شویم با فلسفه تحلیف و وضع ضمانت اجرا برای افشای اسرار دیگران در تضادی آشکار است. اتفاقاً یکی از رسالت‌های مهم وکیل در امور کیفری، کمک به کشف حقیقت و یاریگری نظام قضایی در این زمینه است. در واقع تشریک مساعی قضات و وکلا می‌تواند عدالت کیفری را به نحوی که مطلوب جامعه، بزه‌دیده و حتی بزهکار باشد فراهم سازد.

حق حضور وکیل در بازجویی

بر خلاف ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری سابق، مطابق ماده ۱۹۰ قانون جدید: «متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس، به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه، متهم احضار شود، این حق در برگه احضاریه قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می‌شود.» این ماده، از مواد بدیع و رو به پیشرفت مقرر در قانون جدید بوده که منطبق با اصول دادرسی عادلانه نیز می‌باشد. حال آن که در قانون سابق قانون‌گذار چنین حقی را برای وکیل قائل نشده بود.

تبصره‌های این ماده نیز حاوی مفاد جدیدی در نظام حقوقی کشور ما هستند. مطابق تبصره یک: «سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب بی‌اعتباری تحقیقات می‌شود». البته این تبصره نیز در اصلاحات قانونی حذف و به جای آن مقرر شده «سلب حق همراه داشتن وکیل و عدم تفهیم این حق به متهم به ترتیب موجب مجازات انتظامی درجه ۸ و ۳ است.» هر چند قانون‌گذار برای رعایت نکردن حق حضور و مداخله وکیل در تحقیقات مقدماتی ضمانت اجرا تعیین نموده و سلب حق همراه داشتن وکیل را مجازات انتظامی می‌داند و چنین تضمینی در باب حمایت از وکلا تاکنون در هیچ یک از قوانین قبلی کشور ما سابقه نداشته است؛ اما حذف ضمانت اجرای قبلی مبنی بر بطلان

تحقیقات و جایگزینی آن با ضمانت اجرایی سبک برای مقام قضایی متخلف، امری دور از انتظار است. گویا قانون‌گذار هنوز حضور وکیل در جریان تحقیقات را واجد اهمیت زیادی نمی‌داند. ضمن این‌که مجازات سبک درجه برای قاضی نمی‌تواند در همه حالات حق حضور وکیل در تحقیقات را تضمین نماید.

بدین ترتیب، نقش حقوق متهم و وکیل مدافع در قانون جدید بسیار پرنگ شده و مقرر داشتن مواد مزبور در راستای تضمین حقوق اساسی اشخاص پیش‌بینی شده است. گویا رعایت تساوی در حقوق جامعه، بزه‌دیده و متهم از اهم اهداف اجرای قانون جدید می‌باشد.

حق دخالت در تحقیقات مقدماتی

ماده ۱۲۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ یکی از موارد اقدام به تحقیقات محلی توسط بازپرس را درخواست متهم یا شاکی دانسته است. باوجود این، به نظر نمی‌رسد که بازپرس، مکلف به پذیرش این‌گونه درخواست‌ها باشد زیرا وی در صورت رد درخواست مکلف متهم، به صادر کردن قراری موجه و مستدل که بتوان در دادگاه صلاحیت‌دار به آن اعتراض کرد، نشده است. حق درخواست انجام تحقیقات لازم برای کشف حقیقت در مورد طرف‌های دعوی کیفری به گونه‌ای یکسان رعایت نمی‌شود.

حق مطالعه پرونده کیفری

پس از انقلاب اسلامی، ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری از یک‌سو با افزودن قید حدود و حضور در تحقیقات و از سوی دیگر، حذف قید حق با محرمانه بودن تحقیقات اختیارات شاکی در مورد دسترسی به اوراق پرونده را محدود کرده است. از نظر برخی از حقوق‌دانان، این تغییرها در جهت رعایت برابری میان طرف‌های دعوا، نیست، بلکه با هدف سریع کردن هر چه بیشتر تحقیقات مقدماتی صورت گرفته است. بر عکس، بر پایه نظریه اکثریت اعضای کمیسیون معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، محدود کردن این اختیارات در جهت رعایت برابری میان طرف‌های دعوا است. بدین ترتیب، اکنون شاکی خصوصی در مورد دسترسی به پرونده حق‌هایی دارد که معادل آن‌ها برای متهم وجود ندارد. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ برای اولین بار در جهت رعایت برابری طرف‌های دعوا، مطالعه پرونده امر قبل از هر تحقیق توسط متهم و وکیل وی را مجاز شمرده است. چنان‌چه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک، این قانون پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند، یا موضوع از جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور باشد با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آن‌ها را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است.

حق اعتراض به جریان رسیدگی

از دیدگاه حقوق مقایسه‌ای، متهم در مورد تصمیم‌ها و اقدام‌های بازپرس در مرحله تحقیقات مقدماتی به دو شکل می‌تواند عمل کند: اعتراض به این تصمیم‌ها و اقدام‌ها و درخواست بی‌اعتباری تحقیقات مقدماتی گفتنی است که قانون‌گذار ایران درخواست انجام برخی از تحقیقات از سوی طرف‌های دعوا را در مرحله رسیدگی هرگاه متهم با مدعی خصوصی تقاضا کند از شخص یا اشخاصی که در دادگاه، پذیرفته است.

محدودیت تحت نظر قرار دادن متهم از سوی ضابطان

با توجه به این که در مدت تحت نظر، همانند وضعیت بازداشت موقت، آزادی فرد سلب می‌شود، بر پایه اصل آزادی اشخاص، لازم است مدتی به عنوان نگهداری تحت نظر تعیین شود. ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸ بازداشت متهم را به مدت ۲۴ ساعت، یک حق برای ضابطان دانسته است. با وجود، این موضوع در نظام کنونی نهادینه نشده و متهم فاقد حقوق دفاعی در این مرحله است قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در راستای ترافیکی کردن تحقیقات مقدماتی و رعایت حقوق دفاعی متهم در مرحله تحت نظر، نوآوری‌هایی را پیش‌بینی کرده است. بی‌تردید، این مقررات به منظور جلوگیری از هرگونه اقدام محدود کننده سلب آزادی بدون نظارت مقام قویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری ۱۲۹ قضایی و نیز پرهیز از اعمال سلیقه شخصی و سوءاستفاده از قدرت یا اعمال هرگونه خشونت نسبت به مظنون و متهم تصویب شده است. در همین چارچوب است که ماده ۴۹ این قانون، ضابطان را به اعلام مشخصات سجلی، شغلی، نشانی و علت تحت نظر قرار گرفتن متهم به هر شکل ممکن به دادسرای محل ملزم کرده است. دادستان هر شهرستان نیز به نوبه خود با درج مشخصات مزبور در دفتر مخصوص و رایانه، نظارت لازم را برای رعایت حقوق این افراد اعمال می‌کند و فهرست کامل آنان را در پایان هر روز به رئیس کل دادگستری استان مربوط اعلام می‌کند تا به همان شکل ثبت شود.

بازجویی در عراق

حق سکوت و اجتناب از خود اتهامی یا اقرار به جرم

یکی از مصادیق حقوق دفاعی متهم، حق سکوت در مقابل تحقیقات ضابطان و مقامات قضایی راجع به اتهام وارد شده به وی است. متهم با تمسک به چنین ابزاری، از حداقل امکان برای تضمین حقوق دفاعی خویش بهره‌مند می‌شود، بدون این که تکلیفی به همکاری با مقامات قضایی داشته باشد. اصل برائت به متهم اجازه می‌دهد تا تحمیل هر امر محدود کننده بر متهم در صورت تردید در توجه آن به وی، ممکن نباشد، مگر آن که مقام تعقیب، دلایلی را مبتنی بر تقصیر

متهم را ارلئه نملید. بدون این که دفاع و ادعای متهم بتولند این دلایل را مخدوش سازد. متهم در پرتو اصل برائت، در جایگاهی قرار می‌گیرد که دادستان را ملزم می‌سازد کلیه دلایل مثبت جرم علیه وی را جمع‌آوری کند و تا زمانی که این دلایل جمع‌آوری نشده و انتساب آن به متهم به اثبات نرسیده است، متهم بی‌گناه فرض می‌شود. مقتضای اصل برائت، حفظ آزادی متهم در عدم همکاری وی است تا این که در بستر آن، «توازن قوا» و تحقق «انصاف» تضمین شود. (النبرای، ۱۹۶۸: ۱۴۲)

سکوت کردن متهم حق مهمی در دادرسی عادلانه است. اما این حق در بیانیه‌های حقوق بشر هیچ اشاره‌ای به آن نشده است. ابتدا در سیستم اصولی دادگاه بین‌المللی مجازات که در ۱۷ ایلول (سپتامبر یا شهریور) سال ۱۹۹۸ به این حق اشاره نموده و این حق را در مرحله بازجویی مورد بحث قرار داده است. هر زمانی که متهم سکوت اختیار نمود نمی‌تواند اختیار و سکوت او را مدرک جرم تلقی نمود. و این امر براساس این اصل می‌باشد که متهم حق سکوت اختیار نمودن در برابر اتهامی که به او وارده شده است را دارد.

در ماده ۱۹- و دادگاه عالی مجازات عراق بیان شده است: «اجازه داده نمی‌شود که متهم به جرم اقرار کند و حق متهم است که سکوت اختیار نماید و هیچ حرفی نزند بدون این که، سکوت او به عنوان مدرک جرم تلقی گردد.» اما متن قانون در مورد حق سکوت وجود ندارد بلکه تنها در ماده ۳۷ بیان شده است که اجازه گرفتن اقرار به جرم به زور داده نشده است. اقرار به جرم اجباری (به زور) گرفته نمی‌شود و ارزش قانونی ندارد. و طبق ماده ۱۲۶ قانون اصول محاکمات جزای عراق (صفحه ب) بیان شده است که: «دادگاه می‌تواند برای آشکار شدن حقیقت هر سؤالی را بپرسد.» جوان ندادن متهم به سؤالات نباید به مدرکی علیه او تبدیل شود. قدرت هم پیمانان بعد از اشغال عراق طبق بیان نامه شماره ۳ راهکاری‌های مجازات، بخش ۴، احساس به اضافه نمودن تبصره‌هایی برای ماده ۱۲۳ قانون اصول مجازات کردند و این تبصره بیان می‌دارد: «قبل از بازجویی از متهم، بر مسئول (قاضی) بازجویی لازم است متهم را در حق سکوت برای سؤالات دادگاه آگاه نمایند هر زمانی که متهم از این حق استفاده نمود سکوت او به مدرک جرمی برای او تبدیل نمی‌شود.» همچنین در ماده ۱۸۰ ی.س.ب.ع بیان شده است: «اگر متهم پاسخ سؤالات دادگاه را ندهد یا پاسخ‌های او خلاف پاسخ‌های قبلی باشد در این هنگام دادگاه می‌تواند پاسخ‌های قبلی را برای او قرائت کند.» (حسب الله، ۱۹۹۰: ۱۸۳).

حق داشتن مترجم

لازم است متهم از زبان و راه و روش دادگاه آگاه باشد در غیر این صورت باید از طریق مترجم این آگاهی به او داده شود. این حق در بیان نامه حقوق مدنی و

سیاسی در ماده ۱۴ (ص ۳) بیان شده و مقرر می‌دارد هر متهمی می‌بایست در زمان بوجود آمدن مشکلی به شیوه یکسان از ضمانت‌ها (لازم است مترجم بصورت رایگان در اختیار او قرار داده شود تا اگر از زبان دادگاه متوجه نشد و حرفی نزد (سکوت اختیار کند) بهره‌مند شود.

در قانون اساسی عراق نص و قانون مشخص درباره این موضوع بیان نشده است اما در ماده ۱۹-۶ بیان شده است و مقرر می‌دارد: «لازم است با هر شخصی در مکان‌های دادرسی و اداری به شیوه عادلانه برخورد شود.» به این دلیل وجود مترجم برای متهم که زبان دادگاه را متوجه شود رفتاری عادلانه است. (العکلی و حرب، ۱۹۹۸: ۲۳)

ماده ۲۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بیان داشته است: «بازپرس برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم، شاهد و مطلعی که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم مورد وثوق از بین مترجمان رسمی و در صورت عدم دسترسی به مترجم رسمی، مترجم مورد وثوق دیگری تعیین می‌کند. مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانت داری را رعایت کند. عدم اتیان سوگند سبب عدم پذیرش ترجمه مترجم مورد وثوق نیست.»

از این ماده می‌توان استنباط کرد که پلیس و دیگر ضابطان نیز در مرحله پیش از ار سال پرونده به داد سرا و یا در صورت ارجاع پرونده‌ی دادسرا به مقامات پلیس، بایستی این حقوق مظنون و متهم لحاظ گردیده و در تحقیقات پلیسی هم این افراد از حقوق شان نظیر داشتن مترجم بهره‌مند گردند. (خالقی، ۱۳۹۴، ۱۱۵)

حق داشتن وکیل بر معاضدت حقوقی

یکی از معیارها و اصول شکلی دادرسی عادلانه داشتن وکیل توسط متهم است که در سال‌های اخیر در اسناد بین‌المللی، قوانین داخلی و بین‌المللی به آن اشاره شده است و هدف از آن ایجاد تساوی تسهیلات و امکانات برابر و ایجاد دادرسی منصفانه و عادلانه برای متهم است، زیرا همه افراد آشنا به حقوق خود نیستند و ممکن است متهم از حقوق خود آگاهی نداشته باشد یا این که الفاظی به کار برد که به جای این که به نفع او باشد به ضرر او تمام شود و حقوق او پایمال شود و نداند که اقرار انکار و حتی سکوت او در سرنوشت او مؤثر، و آثار حقوقی دارد. پس لازم است مراجع قضائی امکانات لازم را برای انتخاب وکیل برای اشخاص فراهم کنند تا حقی پایمال شود. داشتن وکیل مدافع و استفاده از معاضدت‌های قضایی، به عنوان یک حق اساسی در قوانین و اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. به طوری که کمیته منع شکنجه سازمان ملل متحد، حضور وکیل مدافع را به عنوان هدفی اساسی در کاهش شکنجه اعلام کرده است. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ برای اولین بار در ماده ۴۸ به حضور وکیل در

مرحله‌ی تحت نظر اشاره کرده است که از نوآوری‌های قانون جدید در زمینه حقوق دفاعی متهم می‌باشد.

منع شکنجه در حقوق عراق

قانون الحاق جمهوری عراق به موافقت‌نامه منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده شماره ۳۰ در سال ۲۰۰۸ به تصویب رسید. طبق قرار مجلس نمایندگان و طبق ماده ۴/۶۱ از دستور و با استناد به احکام دو ماده ۷۳/۲ و ۱۳۸/۶ از دستور، شورای ریاست جمهوری در جلسه منعقد در تاریخ ۲۰۰۸/۸/۱۷ دو قانون زیر را به تصویب رساندند.^۱

ماده (۱) جمهوری عراق به موافقت‌نامه منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده که از طرف مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۰ دسامبر سال ۱۹۸۴ به تصویب رسید و در تاریخ ۱۹۸۷/۶/۲۶ لازم الاجراء گردید، ملحق می‌شود. عدم استفاده از صلاحیت کمیته مبارزه با شکنجه که در ماده ۲۰ این کنوانسیون ارائه شده است.

ماده (۲) این قانون از زمان انتشار در روزنامه رسمی لازم الاجرا است.

دلایل این قانون، جمهوری عراق به منظور شرکت در مجامع بین‌المللی به خاطر تلاش‌هایش جهت مبارزه با شکنجه یا اقدامات مشابه و به دلیل تلاش‌های انجام شده و به خاطر ملحق شدن به موافقت‌نامه قانون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده این قانون را وضع کرده است. نص موافقت‌نامه شامل موافقت‌نامه قانون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده می‌باشد.

مجمع عمومی جهت حمایت از تمامی انسان‌ها از شکنجه یا دیگر رفتارها یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده که مجمع عمومی در دستور شماره (د ۳۰) تاریخ دسامبر ۱۹۷۵ تصویب کرده و همچنین به موجب قرار ۳۲/۶۲ در مورخه ۸ دسامبر ۱۹۷۷ صادره از کمیسیون حقوق بشر موافقت‌نامه قانون منع شکنجه یا دیگر رفتارها یا مجازات سخت‌گیرانه یا غیرانسانی و تحقیرکننده در پی تحقق مبانی اعلام شده در اعلامیه را تصویب و نیز به موجب قرار ۱۱۹/۳۸ مورخه ۱۶ دسامبر ۱۹۸۳ صادره از کمیسیون حقوق بشر در نشست چهارم به عنوان یک اولویت کمیسیون موافقت‌نامه را به مجمع عمومی ارائه داده تا در نشست سی و نهم خود آن را مورد بررسی قرار داده و در بر دارنده احکامی بود که مواد موافقت‌نامه کمیسیون حقوق بشر را تأیید می‌نمود و اگر با کمی آرامش قرار نشست حقوق بشر ۲۱ مارس ۱۹۸۴ را مورد بررسی قرار دهیم درمی‌یابیم که مواد آن در قوانین بین‌المللی و داخلی بیان شده است.

^۱ کرونیکل عراق، شماره ۴۱۲۹، ۲۰۰۹، ۱۶ صفحه، شماره صفحه: ۱، شماره جزء: ۰

با توجه به اصول مندرج در منشور سازمان ملل متحد که شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق برابر و غیر قابل انتقال تمام اعضاء خانواده بشری را مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان اعلام داشته است. با توجه به این که حقوق مذکور از شأن و منزلت ذاتی انسان سرچشمه گرفته است.

دولت عراق جرائم مربوط به شکنجه که شامل استرداد مجرمین به کشور متبوعشان است و یا هر نوع اخراج و استرداد که آن‌ها به وسیله قراردادهای دوجانبه پذیرفته‌اند، تضمین خواهند کرد و اگر دولت عضوی درخواست استرداد (متهمی) را از دولت عراق که معاهده‌ای را برای استرداد با این دولت امضاء نکرده است، دریافت دارد، این کنوانسیون به مثابه معاهده‌ای قانونی برای استرداد مجرمین به شمار می‌رود. (السعيد عبدالفتاح ، بدون تاریخ، ۱۳۲)

دولت عراق متعهد شده است، با توجه به ممنوعیت شکنجه به مجریان قانون، پلیس و نظامی، کارکنان خدمات، کارمندان و دیگر افرادی که به نحوی در بازداشت، بازجویی و بازرسی (افراد دخالت دارند) و نیز هر رفتاری که موجب دستگیری، بازداشت و زندانی افراد می‌شود، آموزشها و اطلاعات لازم را به آن‌ها بدهند و مطمئن شوند که آن‌ها از این آموزشها و اطلاعات برخوردار خواهند شد و در قوانین و دستورها به فراخور وظایف و مسئولیت‌های افراد، ممنوعیت شکنجه را ملحوظ خواهد کرد. همچنین دولت عراق موظف است به طور مرتب و منظم قواعد و روش‌های مربوط به بازجویی (بازپرسی) و ترتیبات راجع به نگهداری افراد را (در بازداشتگاه‌ها) انجام دهد. این بازنگری و مراقبت شامل هر نوع دستگیری، زندان و در هر قلمروی که حوزه قضائی آن دولت است، با در نظر گرفتن اصل ممنوعیت شکنجه می‌باشد. (الفاروق الحسینی ، ۱۹۸۶: ۱۰۲)

نوآوری و کاستی‌های مربوط به جرم شکنجه در قانون عراق

پیوستن جمهوری عراق به کنوانسیون منع شکنجه به سبب تمایل دولت برای کمک به تلاش‌های جامعه بین‌المللی برای جلوگیری از شکنجه و سایر اشکال رفتار یا مجازات بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز انگیزه بود. ماهیت جدی این میل از طریق اعلام قانون ۳۰ آذر سال ۲۰۰۸ مبنی بر تصویب عضویت عراق در کنوانسیون که در روزنامه رسمی شماره ۴۱۲۹ در تاریخ ۱۳ ژوئیه ۲۰۰۹ منتشر شد، و سپردن سند جمهوری اسلامی عراق در تاریخ ۷ جولای ۲۰۱۱ به آن ملحق شوید.

طبق مقررات بند (۶) ماده ۸۰ قانون اساسی ۲۰۰۵، شورای وزیران عراق به مذاکره و امضای معاهدات بین‌المللی و توافق‌نامه‌ها و یا تعیین هر فردی برای انجام آن صالح می‌باشد. بر اساس بند ۴ ماده ۶۱ قانون اساسی، شورای نمایندگان مسئول تنظیم فرایند تصویب معاهدات و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی از طریق تصویب یک قانون باید توسط اکثریت دو سوم از اعضای آن تصویب شود. طبق بند ۲

ماده ۷۳ قانون اساسی، رئیس‌جمهور از اختیارات خود برای تصویب معاهدات و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی پس از تصویب شورای نمایندگان مجلس و تصویب آن پس از گذشت پانزده روز از تاریخ تصویب آن توسط رئیس‌جمهور، تأیید شده است. از این‌رو، همه معاهدات در عراق پس از تصویب شورای نمایندگان در بند ۴ ماده ۶۱ قانون اساسی به اجرا در می‌آیند و با اجرای الزام که بلید توسط رئیس‌جمهور تصویب و در روزنامه رسمی منتشر شود پس از آن مقامات دولتی متعهد به تعهد به اجرای آن‌ها و اجرای مفاد آن هستند. بر این اساس، مقررات کنوانسیون باید از طریق تصویب جدید یا اصلاح قوانین موجود که با مقررات و اصول قانون اساسی مربوط به حقوق و آزادی مطابقت دارد، در قانون ملی گنجانده شود.

نتیجه گیری

یکی از مهم‌ترین مراحل فرآیند دادرسی کیفری که نقطه آغازین تبلور اصول بنیادین دادرسی کیفری است، مرحله تحقیقات مقدماتی و بازجویی است. تدوین کنندگان قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با مد نظر قرار دادن مبانی اصول بنیادین آیین دادرسی کیفری بر ضرورت دادرسی قانونمند، رعایت حقوق طرفین دعوا، استقلال و بی طرفی مراجع قضایی، رعایت مهلت معقول دادرسی، اصل برائت، منع اقدامات محدود کننده و سلب آزادی بدون حکم قانونی، احترام به حریم خصوصی، رفتار بشر دوستانه و کرامت مدار نهادهای متولی تأمین امنیت با افراد سخن گفته اند. قانون‌گذار ما در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تغییراتی را در جهت تضمین حقوق دفاعی متهم و آزادی او به عنوان شهروند پیشبینی کرده است که موجب شده در فرآیند کیفری حقوق متهم تأمین شود و با رعایت اصول و هنجارهای حقوق شهروندی و بشری و تلاش برای تحقق و تضمین دادرسی عادلانه نسبت به متهم، شاکی، شاهد و مطلع پیش‌بینی کرده است؛ چراکه حقوق متهم در مرحله بازجویی اهمیت بسیار زیادی دارد، زیرا متهمی که هنوز مجرمیت او ثابت نشده و مورد اتهام قرار گرفته است، لازم است کلیه حقوق او رعایت شود تا تحقیقات نسبت به او صورت گیرد و اگر مرتکب جرم شده با رعایت حقوق متهم و رعایت کلیه موازین دادرسی عادلانه مجازات گردد. اصول و ترتیبات حقوقی و قضایی که تضمین کننده حقوق متهم و تأمین امنیت و آرامش و تشکیل یک دادرسی منصفانه می‌باشد؛ بر روند بازجویی حاکم است. در صورت نقض هر یک از این اصول سبب نقض و بی‌اعتباری بازجویی می‌شود. از جمله تغییراتی که قانون‌گذار در مرحله بازجویی به آن اشاره کرده است، از دیگر نوآوری‌ها در قانون جدید مکانیسم حمایت از شهود، مطلعین متهم و بزه‌دیده می‌باشد. (باقری‌نژاد، ۱۳۹۱، ۱۱۹) هرگاه بیم خطر جانی مالی، حیثیتی شاهد یا مطلع برود و تدابیر حمایتی زیر اتخاذ می‌شود: عدم مواجهه حضوری بین شاهد و مطلع، عدم افشاء اطلاعات مربوط به هویت، مشخصات خانوادگی، محل سکونت و غیره، استماع اظهارات شاهد یا مطلع خارج از دادرسی و وسایل ارتباط دور و همچنین جبران ضرر و زیان و هزینه ایام و ذهاب شاهد اخذ می‌شود. هم‌چنین در جهت حمایت از متهم، وظیفه بازپرس در قبال همکاری متهم و تخفیف می‌باشد. قانون‌گذار برای نخستین بار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اصل برائت را ذکر کرده است که میانی حقوق دفاعی متهم و مبنای حقوق جزا می‌باشد. اقداماتی که بازپرس در جهت تضمین حقوق دفاعی متهم انجام می‌دهد، همچون اخذ آخرین دفاع که قانون‌گذار برای اولین بار در مرحله تحقیقات مقدماتی در جهت حمایت از حقوق متهم به آن اشاره کرده است و ضمانت اجرای عدم توجه به این موضوع امتناع از انجام وظیفه قانونی است. بار

اثبات دلیل که مقام قضایی باید بر پایه اصل براءت آن را تحصیل کند. حمایت‌های بسیاری در جهت تضمین حقوق دفاعی متهم صورت گرفته است همچون حق داشتن وکیل در مرحله تحت نظر که تاکنون در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به آن اشاره ای نشده بود که متهم با شروع تحت نظر بودن می‌تواند درخواست وکیل کند، وکیل هم پس از پایان ملاقات با متهم، ملاحظات کتبی خود را می‌تواند برای درج در پرونده ارائه کند. یکی دیگر از حقوق دفاعی متهم که در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در مرحله بازجویی به طور صریح به آن اشاره شده است حق سکوت متهم است. در صورت سکوت متهم می‌تواند مراتب امتناع از پاسخ و امضا را در صورت مجلس قید می‌شود. حقوق دیگری در جهت حمایت از متهم برای وی در نظر گرفته شده است همچون استفاده از مترجم رایگان، تشکیل پرونده شخصیت که در نهایت منجر به اتخاذ کیفر معقول متناسب با مجازات می‌شود. حق متهم مبنی بر تماس با خانواده که در نهایت متهم می‌تواند یا اطلاع دادن خانواده و کمک آن‌ها از حقوق خود بهره جوید.

منابع

ابراهیم الفقی، عماد، (۲۰۰۸)، مسئولیت جنائی شکنجه متهم، انتشارات انجمن حقوق بشر برای کمک به زندانیان.

اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۵)، «تفهیم اتهام یا حق اطلاع از موضوع و دلایل اتهام»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۳.

باقری‌نژاد، زینب (۱۳۹۱) حمایت از شهود (در حقوق ایران، فرانسه و اسناد بین‌المللی)، انتشارات خرسندی، تهران.

پوراستاد، مجید (۱۳۸۷) اصول و قواعد آیین دادرسی فراملی (ترجمه)، چاپ اول، نشر شهر دانش.

حسب الله، سعید، (۱۹۹۰)، شرح قانون محاکمات جزایی، انتشارات دارالحکمه، موصل، ۱۹۹۰، ص ۲۱۲.

خالقی، علی (۱۳۹۴) نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، تهران.

السعيد عبدالفتاح، محمد، جرم انگاری شکنجه در قانونگذاری مصر، قاهره، بدون سال چاپ.

صادق الملا، سامی، (۱۹۶۹م)، اعتراف متهم - پژوهش تطبیقی، دارالنهضة العربیه، قاهره.

- عبد شویش، ماهر، (۱۳۶۷ش)، شرح قانون جزا (بخش خصوصی)، انتشارات دارالکتب، دانشگاه موصل.
- عبدالرزاق الحدیثی، فخری، (۱۹۹۲م)، شرح قانون جزا، بخش عمومی، چاپخانه الزمان، بغداد، ۱۹۹۲م.
- العکیلی، عبد الامیر و سلیم ابراهیم حربی، (۱۹۹۸م) شرح اصول المحاکمات الجزائیة، ج ۱، المكتبة القانونية، بغداد.
- الفاروق الحسینی، عمر، (۱۹۸۶م)، شکنجه متهم برای اعتراف، انتشارات مطبوعه العربیه الحدیثه.
- محمد القیسی، عبدالقادر، (۲۰۱۶م)، شکنجه متهم، جهت اخذ اعتراف/ بین جرم و مسئولیت، چاپ اول - مرکز ملی انتشارات حقوق
- محمود مصطفی، محمود (۱۹۷۶م) شرح قانون الإجراءات الجنائیة، ط ۱۱، جامعة القاهرة الكتاب الجامعی، القاهرة.
- مستقیمی، مسلم (۱۳۹۷) تضمین حقوق متهم در قوانین جزایی ایران، فصلنامه علمی - حقوقی قانون یار، دوره دوم، شماره هفتم.
- النبراوی محمود سامی، (۱۹۶۸) استجواب المتهم، رساله دکتوراه، دار النهضة العربیة، القاهرة
- ورپشتی، یلدا (۱۳۹۰). پیشگیری از جرم شکنجه در پرتو تعامل جرم شناسی و حقوق بشر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.